

Original Article

Medical Effects of the Moon Based on Persian Poetry from the 6th to 8th Centuries Concentrating on Azarbaijani Style and New Researches

Mansoureh Moeini¹, Akbar Kolahdouzan^{2*}

1. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Isfahan University of Medical Sciences, School of Management and Medical Information Sciences, General Cours, Isfahan, Iran.

2. Assistant Professor of Persian Language and Literature, Isfahan University of Medical Sciences, School of Management and Medical Information Sciences, General Cours, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

Email: kolahdouzan@mng.mui.ac.ir

Received: 5 Sep 2018 Accepted: 12 Dec 2018

Abstract

Background and Aim: Old medical beliefs are part of the history of science. Although new studies have confirmed some of these beliefs, they rejected the others; also, some beliefs have not been examined yet. Persian poem from the sixth centuries onward was the representative of such academic subjects as medicine, mathematics and astronomy. Some of these areas are related to constellation effects on human's body and psyche and this way they show the graft of medicine and astronomy. This study intends to uncover some of the old beliefs in the framework of Persian poem to pave the way for research studies that verify the truth and untruth of these achievements from medical point of view. This way, by grafting securitization of the old and contemporaries, new view is opened from the history of Iran medicine and new knowledge.

Materials and Methods: This descriptive-analytic study was done with through desk study of the poems of sixth to eighth centuries considering the poems of Anvari, Khaghani, Masood Sad Salman, Sanai, Attar, Amir Khosrov Dehlavi, Hafez and Uhadi. After categorizing the findings, medical themes related to moon were entitled and analyzed. Then, new resources were investigated and were adapted with poetic evidence.

Findings: Persian Poem represents Iranian beliefs about the effects of moon on psyche and body. These effects can be categorized as follows: 1- the effect of moon light on nneurological diseases; 2- the positive and negative effects of moon when it is located in Scorpio; 3- the confluence effect of moon and sun; 4- the effects of moon when it places in Gemini.

Conclusions: The medical-astronomic beliefs in the Persian poem represents a part of Iranian science, experiences and views which in turn shows the longevity and range of this in the People's thinking and beliefs. Accordingly, it seems indispensable to consider other aspects of the poem, that is, medical and academic points in addition to the literal point, this way; it is possible to realize the truth and untruth of the poem. The negative medical effects of moon on nerve, psychic and moral conditions, bloodletting and phlebotomy when sun and moon become closer to each other and when the moon is in Gemini which have been represented in the Persian poem have been verified in the studies on the magnetic effects of planets on each other and the effects on moonlight on blood circulation as well. These investigations disclose the experiences of cogitation of ancestors and open new ways for exploring the skies.

Keywords: Azarbaijani Style; Neurological Diseases; Scorpion; Conjoction; Gemini; Cupping

Please cite this article as: Moeini M, Kolahdouzan A. Medical Effects of the Moon Based on Persian Poetry from the 6th to 8th Centuries Concentrating on Azarbaijani Style and New Researches. *Med Hist J* 2019; 10(37): 59-73.

تأثیرات پزشکی «ماه» بر اساس شعر قرن ششم تا هشتم قمری با تکیه بر سبک آذربایجانی و نگاهی به پژوهش‌های علمی جدید

منصوره معینی^۱، اکبر کلاهدوزان^{*۲}

۱. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران.

۲. استادیار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه علوم پزشکی اصفهان، دانشکده مدیریت و اطلاع‌رسانی پزشکی اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: kolahdouzan@mng.mui.ac.ir

دریافت: ۱۳۹۷/۶/۱۴ پذیرش: ۱۳۹۷/۹/۲۱

چکیده

زمینه و هدف: باورهای کهن پزشکی بخشی از تاریخ علم هستند. بررسی‌های جدید، برخی از این باورها را تأیید و بعضی را رد می‌کند و برخی از این باورها هنوز از دیدگاه علمی بررسی نشده‌اند. شعر پارسی از قرن ششم به بعد، به دلیل شرایط اجتماعی و فرهنگی، بیانگر مضامین علمی مانند پزشکی، ریاضی و نجوم گشت. برخی از این مضامین مربوط به تأثیرات اجرام فلکی در جسم و روح انسان است و پیوند پزشکی و نجوم را در باورهای کهن نشان می‌دهد. هدف این نوشتار آن است که ضمن آشکار ساختن گوشه‌ای از باورهای پزشکی کهن در آینه شعر فارسی، زمینه‌ای برای پژوهش‌هایی فراهم آورد که درستی یا نادرستی این دستاوردهای فکری را از منظر دانش پزشکی جدید تعیین نماید و با پیوند ژرف‌نگری گذشتگان و دیدگاه‌های علمی معاصر، افق‌هایی از تاریخ پزشکی ایران نه تنها باز نموده شود، بلکه با دانش جدید بررسی گردد.

مواد و روش‌ها: این پژوهش یک بررسی توصیفی - تحلیلی است که از رهگذر مطالعه کتابخانه‌ای در اشعار قرن ششم تا هشتم با رویکردی به اشعار انوری، خاقانی، نظامی، مسعود سعد سلمان، سنایی، عطار، امیر خسرو دهلوی، حافظ و اوحدی انجام شد و پس از طبقه‌بندی موضوعی یافته‌ها، مضامین پزشکی مربوط به «ماه» عنوان‌بندی و با ذکر شواهد شعری تحلیل شد، سپس منابع جدید بررسی و با شواهد شعری تطبیق داده شد. **یافته‌ها:** شعرپارسی بیانگر باور ایرانیان در مورد تأثیرات «ماه» در جسم و روح انسان است. این تأثیرات را می‌توان در چهار عنوان اصلی مطرح کرد: ۱- تأثیر نور ماه در بیماری‌های عصبی؛ ۲- تأثیرات مثبت و منفی ماه هنگام قرار گرفتن در برج عقرب؛ ۳- تأثیرات ماه هنگام قران با خورشید؛ ۴- تأثیرات ماه هنگامی که در برج جوزا قرار می‌گیرد.

نتیجه‌گیری: باورهای پزشکی - نجومی مطرح‌شده در شعر فارسی بیانگر بخشی از تاریخ علم، بینش و تجربیات ایرانیان است و دیرینگی و گستردگی آن را در ذهن و فکر مردم این سرزمین نشان می‌دهد و نباید تنها به طرح آن‌ها از دیدگاه کارکردهای ادبی بسنده کرد، بلکه باید اشاره به این باورها را در شعر فارسی، از منظر تاریخ علم و دانش پزشکی جدید نیز نگریست تا درستی یا نادرستی آن آشکار گردد. تأثیرات پزشکی ماه که در شعر فارسی بیان شده است، مانند تأثیر منفی بر بیماری‌های عصبی، وضع روحی و اخلاقی، منع فصد و حجامت هنگام قران ماه و خورشید و هنگام قرار گرفتن ماه در جوزا با یافته‌های جدید علمی همچون اثر تغییراتی که ماه و تأثیرات سیارات بر یکدیگر در میدان مغناطیسی زمین ایجاد می‌کند و تأثیرات نور ماه بر گردش خون، تأیید شده است. این گونه بررسی‌های تطبیقی نه تنها ژرف‌اندیشی گذشتگان و اهمیت تجربه را نشان می‌دهد، بلکه می‌تواند افق‌های گسترده‌تری را در آسمان دانش پیش چشم آورد.

واژگان کلیدی: سبک آذربایجانی؛ بیماری‌های عصبی؛ برج عقرب؛ جوزا؛ حجامت

مقدمه

امروزه باورهای کهن از دیدگاه‌های مختلفی مانند اسطوره‌شناسی، فرهنگ ملل، تاریخ تمدن، انسان‌شناسی و تاریخ علم بررسی می‌شوند و در برخی پژوهش‌ها این باورها از منظر دانش جدید مورد دقت قرار می‌گیرند تا درستی یا نادرستی آن‌ها بر اساس یافته‌های جدید تبیین گردد. این بررسی‌های تطبیقی از سویی چگونگی سیر علمی بشر را در شاخه‌های مختلف علمی آشکار می‌سازد و از سوی دیگر بیانگر ژرف نگری نیاکان ما در طبیعت و تأثیرات آن بر جسم و روح انسان است و از دیگر سو افق‌های تازه‌ای در جهان علم به وجود می‌آورد، زیرا پژوهندگان معاصر، آنچه را گذشتگان با مشاهده‌های پی در پی و بصیرت خویش دریافته‌اند، با شیوه‌ها، ابزارها و دستاوردهای جدید بررسی می‌کنند و آن بخش از باورهای کهن را که مورد تأیید دانش جدید است، به زیور بیان و استدلال علمی می‌آریند و شرح و گسترش می‌دهند و به این ترتیب یافته‌های کهن چونان بذری می‌شود که هزاران خوشه علمی ثمر می‌دهد. آن بخش از این باورها نیز که مورد تأیید علم معاصر نیستند، در بررسی تاریخ علم اهمیت دارند، زیرا سیر فکری انسان و شیوه‌یابی‌های هر عصر و دوره و ملتی را نشان می‌دهند. تاریخ تمدن بشری در بستر تفکر، بینش و برداشت انسان از طبیعت و هستی شکل گرفته است و گستره دانش از دیرباز مدیون پرسش‌ها و شگفتی‌های انسان از آفرینش و ارتباط میان اجزای آن است.

انسان بی‌بهره از ابزار علمی، هوشیارانه و بی‌واسطه به جهان می‌نگریست، اما آموخته‌ها و تجربه‌های او آن میزان نبود که بتواند اجزای هستی را به دقت علمی امروز بشناسد. انسان معاصر تفکر علمی خود را مدیون همین بینش‌ها و باورهای ابتدایی است.

همه باورهای کهن در شمار خرافات و اسطوره‌ها نیستند. بسیاری از آن‌ها ریشه در واقعیتی علمی دارند. این باورهای دیرینه را می‌توان در شمار نخستین دستاوردهای دانش تجربی دانست که اکنون با گذر قرن‌ها، ریشه‌های علمی آن کشف و با زبان علمی شرح داده شده است.

پژوهش در باورهای کهن و دستاوردهای دانش مردمی و بررسی این باورها و دستاوردها از دیدگاه علمی معاصر نه تنها در تاریخ علم دارای اهمیت است، بلکه در برخی موارد می‌تواند سبب گسترده‌تری دانش گردد. باورهای مردمی پزشکی در شمار کهن‌ترین باورهای جوامع بشری است که نسل به نسل، نقش خود را در فرهنگ و تمدن و تاریخ علم سرزمین‌ها رقم زده است. در این میان باورهای پزشکی، جایگاهی ویژه دارد. نقشی که انسان از دیرباز در حیات خویش به آسمان و اجرام فلکی می‌داد، سبب شد که از سویی پایه‌های دانش نجوم استوار گردد و از سوی دیگر تغییرات و پدیده‌های نجومی، عاملی تأثیرگذار در سلامت یا بیماری به شمار رود و به این ترتیب بخشی از باورهای کهن پزشکی و باورهای کهن نجومی پیوند یابد. در میان اجرام فلکی «ماه» با زندگی، اندیشه و احساس اقوام مختلف بشری پیوندی فراگیر داشته و از همین روست که در اسطوره‌های ملت‌های دیرینه اهمیت یافته و خاستگاه باورهایی بسیار گشته است. در نظر آنان، هرچند خورشید روشن‌کننده جهان است و بر تاریکی غلبه می‌کند، ماه پیوند بیشتری با انسان دارد، زیرا نوری است در دل ظلمت و از این رو شایسته توجهی افزون. به همین سبب شاعران از حالات مختلف آن تشبیهات و استعارات گوناگون ساخته‌اند و عارفان نور آن را نماد شهود و معرفت قرار داده‌اند. بسیاری از باورهای مربوط به ماه در پی مشاهده‌های پی در پی و دقت نظر در تأثیرات آن بر پدیده‌ها به وجود آمده است. پیشینیان ما بر این باور بودند که نور ماه پارچه کتان را پوسیده می‌کند، اما سبب استحکام کرباس می‌شود. در نظر آنان نور ماه سبب رنگ‌یافتن میوه‌ها و گل‌ها بود، آنان حالات ماه را در کشت گیاهان مؤثر می‌دانستند و بر این باور بودند که گیاهانی که ریشه خوراکی دارد را باید هنگام هلال ماه و گیاهان دیگر را هنگام بدر ماه کاشت. امروزه این باورها را یا در شمار خرافات می‌آورند و یا از منظر مضامین ادبی و باورهای عامیانه به آن توجه می‌کنند. به درستی روشن نیست که آیا می‌توان این باورها را به زیور نگرش علمی آراست؟ آیا دانش امروزی این باورهای کهن را تأیید می‌کند یا خرافه‌بودنش را اثبات می‌کند؟ هدف ما در این نوشتار طرح باورهایی است در مورد تأثیرات پزشکی ماه که در

یافته‌ها

باورهای انسان ابتدایی «در پی پرسش‌هایی کاملاً عقلانی» شکل گرفته‌اند و به همین سبب بخشی از تاریخ علم به شمار می‌روند (۱)، حتی در آن بخش از این باورها که امروزه مورد تأیید علم نیستند، حتی در جهان‌بینی اسطوره‌ای نیز آدمی کوشیده است تا به پرسش‌های بنیادین خویش درباره جهان و انسان، پاسخی درخور بدهد (۲). بنابراین خاستگاه این باورها همواره علمی و عقلانی است، هرچند تلاش برای پاسخ به این پرسش‌ها همیشه به دستاورد علمی منجر نشده است، اما هر یک از این پاسخ‌ها گامی به سوی تفکر علمی انسان در طول تاریخ بوده است. انسان در جهان معاصر «هر روز گوش به فرمان کشفی علمی است» (۳)، اما از خاطر می‌برد که گذشتگان با نگاه بی‌واسطه خود به جهان، ریشه‌های تفکر را ژرفا بخشیدند تا در طول زمان همواره بارور بماند و سرانجام کشفی علمی به ارمغان آورد.

دو گستره‌ای که از آغاز، هم سرچشمه هزاران پرسش بوده و هم در بیکران خویش پاسخ به این پرسش‌ها را جای داده، گستره آسمان و گستره جسم و روح انسان است. این دو عرصه که خاستگاه دانش کهن هستند، همواره با هم پیوندی بنیادین داشته‌اند. ویل دورانت (۱۹۸۱-۱۸۸۵ م.) فیلسوف و تاریخ‌نگار اندیشمند آمریکایی که سرمایه عمر و توان خویش را در خدمت پژوهش و نگارش تاریخ تمدن جهان قرار داده و در اثر خود به بررسی سیر علمی اقوام مختلف نیز پرداخته است، به باورهای پزشکی اقوام دیرینه اشاره نموده و خاطرنشان کرده است که مردم اولیه با اطلاعات ناقص و باورهای خود بسیاری از امراض را مداوا می‌کرده‌اند (۴).

این بررسی‌ها نشان می‌دهد انسان از دیرباز برای رهایی از درد و رنج به تأثیرات عناصر طبیعی و فوق طبیعی توجه می‌کرد و میل به تندرستی و بهبود، همواره او را به شناخت این عناصر رهنمون می‌شد (۵). هم‌زمان با شکل‌گیری بنای آغازین نجوم، یعنی توجه انسان به نقش اجرام فلکی در هستی، پدیده‌های نجومی عاملی تأثیربخش در سلامت یا بیماری به شمار آمد و بخشی از باورهای نجومی، اساس باورهای پزشکی کهن گشت و «نجوم احکامی» که به تأثیر

شعر فارسی، مستقیم یا غیر مستقیم به آن اشاره شده است. پس از طرح مطالب بر اساس شواهد شعری، حاصل پژوهش‌های جدید را با آن مقایسه نموده‌ایم.

در مورد تأثیرات پزشکی ماه در شعر فارسی از منظر دانش پزشکی پژوهش مستقلی انجام نگرفته است. ویژگی‌ها و تأثیرات ماه در شرح ابیات دیوان شاعران بیشتر از منظر باورهای عامیانه صورت گرفته است نه از دیدگاه دانش پزشکی. منیره عسکرنژاد در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل نمادهای ماه در باورهای عامیانه ملل مختلف با استناد به ابیاتی از شاعران» برخی از این باورهای عامیانه را مطرح نموده‌اند، اما از آنجا که گستره پژوهش ایشان تنها باورهای عامیانه بوده است، در مورد تأثیرات پزشکی ماه جز ارتباط ماه و جنون که اشاره‌ای بسیار گذرا به آن داشته‌اند، توضیحی داده نشده است.

مواد و روش‌ها

این نوشتار پژوهشی توصیفی - تحلیلی و حاصل مطالعه و بررسی آثار منظوم قرن ششم تا هشتم قمری با رویکردی به اشعار انوری، خاقانی، نظامی، مسعود سعد سلمان، سنایی، عطار، امیرخسرو دهلوی، حافظ و اوحدی است. نخست مضامین مربوط به ماه در شعر این شاعران بررسی و از مضامین پزشکی فیش‌برداری شد. سپس با طبقه‌بندی موضوعی، این مضامین در چهار عنوان اصلی: ماه و بیماری‌های عصبی، تأثیرات منفی و مثبت ماه در برج عقرب، تأثیرات هنگام قران و تأثیرات ماه در برج جوزا، شواهد شعری هر عنوان مطرح شد و بر اساس فرهنگ نجومی توضیح داده شد. سپس این یافته‌ها با برخی از متون طب سنتی و مطالعات و پژوهش‌های جدید در این مورد تطبیق داده شد تا ضمن آشکار ساختن افقی از وسعت تاریخ پزشکی و باورهای مردمی در این دو قرن و بازتاب آن در شعر، زمینه‌ای برای پژوهش‌های تطبیقی دیگر در جهت تأیید یا رد مضامین علمی مطرح‌شده در میراث متون کهن فارسی باشد.

اجرام فلکی در امور جهان می‌پرداخت، در میان اقوام گوناگون شکل گرفت، هرچند متأسفانه به تدریج به وادی طالع‌بینی و «ادعاهای بی‌دلیل و گفته‌های نامعقول بی‌برهان» (۶) درافتاد. شعر فارسی آینه باورها و اندیشه‌های ایرانیان در زمینه‌های گوناگون و بیانگر سیر فکری، فرهنگی، تاریخی، اجتماعی و علمی آنان در دوره‌های مختلف است. مضامین علمی به ویژه دانش پزشکی و نجوم و اشاره به باورهای علمی و مردمی، به عنوان یک ویژگی سبکی از قرن ششم قمری در شعر فارسی رواج یافت (۷). تأثیر اوضاع فلکی بر جسم و روح انسان و ضرورت آشنایی طبیب با تأثیرات نجومی در برخی از کتاب‌های پزشکی یادآوری شده است علی بن مجوس اهوازی در کتاب «کامل‌الصناعه‌الطبیعه» نوشته است: «طبیب نیازمند علم نجوم است تا دارو را در وقت منتخبی که ماه در شکل موافقی در حال بالآمدن است به کار برد» (۸).

اشاره به مطالب علمی در شعر از سویی بدان جهت است که شاعران، خود، صاحب اطلاع علمی و برخی از آنان عالم صاحب‌نظر بوده‌اند. نظامی عروضی در کتاب مجمع‌النوادر، داشتن اطلاعات علمی را از شرایط شاعری دانسته و گفته است: «شاعر باید در انواع علوم متنوع باشد و در اطراف رسوم مستطرف، زیرا چنانکه شعر در هر علمی به کار همی شود، هر علمی در شعر به کار همی شود» (۹). تسلط ترکان سلجوقی بر ایران و پس از آن شرایط نابسامان اجتماعی و فرهنگی، شاعران را از رفاه حاصل از فرهنگ‌پروری و دانش‌دوستی سامانیان و توجهات غزنویان بی‌بهره ساخته بود و رقابت شاعران برای حفظ جایگاه خود، آنان را به فضل‌نمایی و گاهی به فضل‌فروشی وامی‌داشت. از سوی دیگر تکراری‌شدن صور خیال و تصویرهای شعری گویی خیزشی در جهت خلق تصاویر جدید به وجود آورد. قرن ششم دوره حکومت سلجوقیان ناآشنابه فرهنگ پربار و دانش ژرف ایرانیان بود و سیر علمی، فرهنگی ایران را دستخوش امواج و گرداب‌هایی هولناک ساخت، هرچند ادب و فرهنگ پربار این دیار، سلجوقیان بیابانگرد را در نیمه دوم حکومتشان، مشتاقان و مشوقان شعر و ادب ساخت و از خوی وحشی آنان کاست، اما حمله اقوام مغول در قرن هفتم و پیامدهای آن در قرن‌های

بعد، ضربه‌هایی جبران‌ناپذیر بر پیکر فرهنگ ایران وارد ساخت. در این اوضاع اجتماعی، شعر فارسی که همواره در طول تاریخ، رکن استوار فرهنگ این دیار بوده است، چونان مبارزی دلاور از پای ننشست و تلاش نمود تا جلوه‌های اندیشه و دانش ایرانیان را بار دیگر در آینه خویش آشکار سازد و از آن، نقشی جاودان رقم زند و این‌گونه بود که درخت شعر فارسی، شاخه‌های بینش و دانش ایران را از فلسفه گرفته تا نجوم و ریاضی و طب، در خود پروراند.

ابوالفرج رونی، از استادان مسلم شعر فارسی در دوره دوم غزنوی «مشخص‌ترین چهره‌ای است که با توجه به بعضی کوشش‌های تصویری که نهاد علمی دارند و از فرهنگ علمی روزگار شاعر مایه می‌گیرند. برای این‌که اسلوب تازه‌ای در ایجاد تصاویر شعری ایجاد کرده باشد، از مجموعه دانش‌های روزگار خویش کمک گرفت» (۱۰). پس از او انوری ابیوردی (۵۸۵-۵۱۵ ق.) ابوالفرج را در خلق تصاویر از رهگذر مسائل علمی سرمشق خود قرار می‌داد. در شعر قرن ششم سه مکتب شعری وجود داشت: ادامه سبک قدیم، یعنی سبک خراسانی که در شعر شاعرانی مانند معزی و ادیب صابر دیده می‌شود، سبک آذربایجانی و سبک سلجوقی که انوری و ظهیر فاریابی از نمایندگان آن هستند (۱۰).

مضامین علمی به ویژه پزشکی و نجوم در سبک آذربایجانی، یعنی سبک شاعران حوزه ارّان و آذربایجان در قرن ششم، بسیار آشکار است. پدیدآورنده اصلی این سبک ابوالعلائی گنجوی بود و بعد از وی از دو شاگردش خاقانی و فلکی شروانی و شاگرد خاقانی، یعنی مجیرالدین بیلقانی در حوزه شروان و نظامی گنجوی در حوزه گنجه می‌توان نام برد. «شاعران این سبک، شاخه‌های علوم را وسیله‌ای مناسب برای خلق مفاهیم شعری می‌دانسته‌اند و با ظرافت تخیل و وسعت مفاهیم علمی تصاویر و مضامین زیبایی پدید آورده‌اند» (۱۱) و با دستمایه‌ساختن مطالب علمی آن زمان برای آفرینش مضامین و صورت‌های شعری، گاهی شعر را چندان دشوار ساخته که جز با داشتن اطلاعاتی از علوم و باورهای مردمی آن زمان نمی‌توان شعر آنان را شرح و تفسیر نمود. اشاره به مطالبی از دانش فلسفه، حکمت، کلام، ریاضی، نجوم و پزشکی

از ویژگی‌های شعر این دوره است، اما در این میان موضوع برخی ابیات بر بنیاد پیوند نجوم و پزشکی و نقش و تأثیر اجرام فلکی بر جسم و روح انسان است. باورهای کهن در مورد تأثیرات پزشکی ماه که در شعر فارسی عنوان شده، در چهار عنوان اصلی قابل طرح است:

۱- تأثیر منفی نور ماه بر بیماری صرع، جنون و بیماری‌های عصبی

حکیم نظامی شاعر قرن ششم (۵۳۰-۶۱۴ ق.) از نمایندگان سبک آذربایجانی است که در شعر خود از آوردن اصطلاحات علمی به ویژه پزشکی و اصول و مبانی فلسفه و علوم به هیچ روی کوتاهی نکرده و به همین سبب به آثار او در حکم دایره‌المعارفی از علوم و نجوم توجه خاصی شده است (۱۲). وی چند بار در هفت‌پیکر به این موضوع اشاره نموده که نور ماه، بیماری صرع را تشدید می‌کند و برآشفته‌گی و بی‌قراری بیمار می‌افزاید:

بود چون تشنه که باشد مست	آب بیند بر او نیابد دست
یا چو صرعی که ماه نو بیند	بر جهد گاه و گاه بنشیند
شیفتم چون خری که جو بیند	یا چو صرعی که ماه نو بیند

این‌گونه مضامین در شعر دوره‌های بعد هم دیده می‌شود، از جمله در شعر قآانی شیرازی (۱۳۵۱-۱۲۷۰ ق.) که در یکی از قصاید خود به لزوم پرهیز فرد مبتلا به صرع از هلال ماه اشاره کرده است:

چو صرع دار کش ز هلال است از تیغ عدوی تو احتراز باد

در قدیم بیماری صرع، دیوانگی و جنون و بیماری‌های عصبی را به حلول دیو در جسم نسبت می‌دادند. نظامی در خسرو و شیرین با چنین نگرشی، برافروخته‌شدن شرار عشق را در دل عاشق به حالت دیوانه‌ای تشبیه کرده که نور ماه، بی‌قراریش را افزون می‌سازد. عاشق، دوری از ماه رخسار معشوق را روا نمی‌داند و معشوق به او یادآوری می‌کند که دیوانه آشفته حال بهتر است از ماه نو دوری کند:

ملک چون جلوه دلخواه او دید	تو گفتی دیو دیده ماه نودید
بگفتا دوری از مه نیست در خور	بگفت آشفته از مه دور بهتر

نظامی در منظومه لیلی و مجنون نیز مضمون «دیوانه و ماه نو» را به کار برده است:

او را سوی ما کجا طواف است دیوانه و ماه نو گزاف است

عطار (۶۱۸-۵۳۷ ق.) نیز به تشدید بیماری و بی‌قراری صرعیان بر اثر نور ماه چنین اشاره نموده است:

فلک خورشید رویش چون بدیدی چو صرعی از مه نو می‌تپیدی

پژوهش‌های جدید، این مضمون رایج شعر فارسی را که بازتاب‌دهنده باورهای مردمی ایرانیان است تأیید می‌کند. «لیال واتسون (Lyall Watson)» (۱۹۳۹-۲۰۰۸ م.) انسان‌شناسی که مسائل فوق‌طبیعی جهان را از دیدگاه علمی مورد توجه قرار داده، اعتقاد فیزیکی‌دانان را در مورد تأثیرات ماه بر جهان بازگو می‌کند که چگونه نیروی ماه علاوه بر جزر و مد و شکستگی کوه‌ها و صخره‌ها بر تولد و اعصاب و روان انسان‌ها تأثیر فراوان دارد، در مبحث موج نوسانگرهای میرا و نامیرا این موضوع مطرح می‌شود که شب‌های مهتابی بر روی بعضی از مردم به صورت‌های عجیب اثر می‌گذارند. در زبان انگلیسی و فرانسه به دیوانگان (Lunatic)، یعنی ماه‌زده گفته می‌شود (۱۳). پژوهش‌های جدید اثرات بدر کامل بر رفتار انسان را تأیید می‌کند. انستیتوی آمریکایی اقلیم‌شناسی طبی، جنایات، جنون، دزدی، آتش‌زدن و... را در شب‌های بدر گزارش نموده است. لئونارد راولیتز (Leonard Ravitz) عصب‌شناس و پزشک مشاور امراض روانی، ارتباط فیزیولوژیک مستقیمی میان انسان و ماه کشف کرده و پس از سال‌ها بررسی و اندازه‌گیری اختلاف پتانسیل الکتریکی میان سر و سینه بیماران روانی نتیجه گرفته است که بیشترین مقدار اختلاف پتانسیل میان سر و سینه در هنگام بدر ماه است که این اختلاف پتانسیل در بیماران روانی بیشتر است. وی معتقد است بدان سبب که ماه، میدان مغناطیسی زمین را دگرگون می‌کند، بحران‌های روانی کسانی که تزلزل روانی دارند، بر اثر نور ماه تشدید می‌شود (۱۳).

۲- تأثیرات پزشکی ماه هنگامی که در برج عقرب قرار

می‌گیرد

برج در اصطلاح نجومی، عبارت از قوسی است در منطقه البروج که به سی درجه تقسیم شده که یک دوازدهم ۳۶۰ درجه دور دایره عظیم آن منطقه است و هر قسمت به نام یکی از صور فلکی یا ماه‌های شمسی است (۱۴).

برج‌های دوازده‌گانه به ترتیب عبارتند از: حمل، ثور، جوزا، سرطان، اسد، سنبله، میزان، عقرب، قوس، جدی، دلو و حوت. هر سه برجی یک مثلثه را تشکیل می‌دهد و هر مثلثه منسوب به یکی از چهار رکن هستی و دارای طبعی متناسب با آن است. حمل و اسد و قوس مثلثه آتشی با طبع گرم و خشک و ثور و سنبله و جدی مثلثه خاکی را با طبیعت سر و خشک تشکیل می‌دهند. مثلثه بادی، جوزا و میزان و دلو و گرم‌تر است و سرطان و عقرب و حوت مثلثه آبی و سرد و مرطوب است (۱۵).

عقرب (Scorpion) برج هشتم و از صورت‌های منطقه البروج و جنوبی است ستاره روشن آن ستاره‌ای است قرمز که «قلب‌العقرب» نام دارد. در صورت عقرب خوشه‌های ستاره‌ای زیاد دیده می‌شود که به وسیله کهکشان راه شیری قطع می‌شوند (۱۴)، اکلیل، شوله، زبانا و قلب‌العقرب از ستارگان عقرب و از منازل هجدهم (قلب) و نوزدهم (شوله) خود که همگی از اجزای صورت عقرب‌اند، سیر می‌کند، در اصطلاح می‌گویند «قمر در عقرب» است.

۲-۱- تأثیر منفی ماه در برج عقرب بر ویژگی‌های

روحی و اخلاقی انسان و ایجاد و تشدید بیماری‌های

چشمی: برج عقرب در احکام نجومی «دلالت بر خوی‌های ناهنجار و ترش‌رویی و بی‌شرمی و کاهلی و تکبر و نادانی دارد» (۱۴). انوری ابیوردی شاعر قرن ششم به این ویژگی منسوب به برج عقرب اشاره کرده است:

بو طبیب آنکه سرد و جفا گفت مر مرا
بگذاشتم که مرد سفیه است و عقربی
اثرهای کین تو چون نحس عقرب
نظرهای لطف تو چون سعد میزان

مسعود سعد سلمان (۵۱۵-۴۴۰ ق.). شاعری است که سالیان دراز رنج زندان را تاب آورده و حاصل رنج‌هایش حبسیه‌های پرسوز و گدازی است که در آن‌ها از سرنوشتی که آسمان برایش رقم زده، شکوه می‌کند و ابراز می‌کند که تأثیر هر دوازده برج برای او رنج بوده، اما در این میان تأثیر برج عقرب دردی درمان‌ناپذیر است:

از این دوازده برجم رسید کار به جان
که رنج دیدم از هر یکی به دیگر سان
مرا چو عقرب عقرب همی زند سرنیش
که درد آن نشود به ز دارو و درمان

سنایی غزنوی (وفات ۵۳۵ ق.). چون دیگر شاعران قرن ششم در علوم زمان خویش بهره‌مند بوده و از اطلاعات و اصطلاحات علمی آن روزگاران در صور خیال و در تعبیرات خود بهره گرفته است. علاوه بر تلمیحات فراوان به آیات و احادیث و قصص قرآن و داستان‌های ایرانی و عربی، اطلاعات طبی و نجومی و فلسفی و صرفی و نحوی و منطقی و عروضی و ریاضی وی نیز در شعرش منعکس است، اگرچه در حدیقه جای‌جای، این‌گونه اطلاعات به خصوص اطلاعات طبی را به قصد بیان آن‌ها آورده، این علوم و اطلاعات در شعرش جنبه شعری و تخیلی نیز یافته است (۱۶). این شاعر علم‌آشنا که شعر عرفانی نیز در قرن ششم به طور رسمی با او آغاز می‌شود، در منظومه حدیقه‌الحقیقه، نیکان را همچون ماه می‌داند و دوستی آنان را با افراد بد همچون واردشدن ماه در برج عقرب می‌داند:

نیک را از بدان چه جاه بود زانکه عقرب هبوط ماه بود

در دوران بعد فروغی بسطامی (۱۲۷۴-۱۲۱۲ ق.) نیز از تأثیر اختران بر زندگی خویش می‌گوید و زلف یار را چونان عقربی می‌بیند بر ماه رخسارش، با همان فتنه‌انگیزی‌های بسیار قمر در برج عقرب:

ز اختران جگرم چند پر شرر ماند خدا کند که نه خاور نه باختر ماند
هزار فتنه ز هر حلقه‌ای برانگیزد شبی که عقرب زلف تو بر قمر ماند

به سبب همین نحوست و فتنه‌انگیزی است که سفر را هنگام قرارگرفتن قمر در برج عقرب، روا نمی‌دانستند. رضی‌الدین آرتیمانی می‌گوید:

رفتم بر آن نگار سیمین غیب
گفتم به سفر می‌روم ای ماه امشب
رویی چو قمر، زلف چو عقرب بنمود
یعنی که مرو هست قمر در عقرب

امیرخسرو دهلوی نیز در قرن هشتم به این موضوع اشاره کرده و گفته است:

مهمت به عقرب و اینک رهی به عزم سفر
ولی خوشم که در آن عقرب انقلابی هست

و خاقانی شاعر سبک آذربایجانی نیز آشکارا منع سفر در این حالت ماه را بیان نموده است:

تا خط نو دمیدش بگریزم از غم او
کانگه سفر نشاید چون مه به عقرب آید

در متون حدیث و روایت نیز روایاتی مبتنی بر منع انعقاد نطفه و سفر در ایام قمر در عقرب ذکر شده است: «مَنْ سَافَرَ وَ تَزَوَّجَ وَ الْقَمَرُ فِي الْعَقْرِ لَمْ يَرْحُصْ» (۱۷). در این مورد اختلاف وجود دارد که آیا منظور، بودن قمر در خود عقرب است یا در صورت آن (۱۸).

برخی از بیماری‌ها را نیز به برج عقرب نسبت داده‌اند، مانند بیماری گری، درد چشم، کچلی، شوره سر، سرطان، آماس و سنگ کلیه (۱۴).

شاعر قرن هفتم، عطار در منظومه الهی‌نامه، کوری و لنگی را از بیماری‌های منسوب به این برج دانسته:

همه چون رعد، بانگی بی‌درنگی
همه چون برج عقرب کور و لنگی

۲-۲- تأثیر مثبت ماه در برج عقرب بر خاصیت درمانی داروی مسهل: اما برخلاف همه این ویژگی‌ها و تأثیرات منفی داروی مسهل‌خوردن هنگام «قمر در عقرب» مفید است و تأثیر مثبت دارد. سنایی، طبیبی فرزانه به نام «علی بن محمد» را ستوده و و پس از شرح بحران بیماری خود گفته که این پزشک با دادن داروی مسهل، بیماری او را درمان کرده است:

المنه‌الله که بر من همه سودا
شد سهل به فر تو از این خوردن مسهل
مقصود من از عمر ابد بود به عالم
شد لاجرم از مسهل و معجون تو حاصل

و در همین شعر به تأثیرات جرم قمر در تأثیر دارو اشاره کرده و برای مدح این پزشک گفته که بر اثر فر وجود تو ماه در همه منازل خود تأثیر مثبتی بر داروی تو دارد:

جرم قمر از فر تو در دادن دارو
چون مجتمع النوریست در کل منازل
یک مسهل تو، راست چو بیجاده کهی را
می‌جذب کند خلط بد از بیست انامل

خاقانی نیز در منظومه تحفه‌العراقین به این تأثیر مثبت اشاره نموده است:

هر ماه که مه شود به عقرب
مسهل خور اوست چرخ و کوکب

۳- منع فصد و حجامت هنگام قران ماه با خورشید

قران (Conjunction) گردآمدن دو کوکب است که یکی در مدار بالاتر و دیگری در مدار پایین‌تر است. هنگامی که این دو کوکب در یک برج به یک درجه برسند، آن دو را مقترن گویند.

قران مطلق، اتصال زحل و مشتری است. قران انواعی دارد که برای هر یک از آن‌ها آثار و احکام مختلفی ذکر کرده‌اند.

برای مثال قران مشتری و ماه، قران سعد به شمار می‌رفت و ازدواج را هنگام آن فرخنده می‌دانستند. باور به این فرخندگی در شعر حافظ چنین بازتاب یافته است:

گفتم که خواجه کی بر سر حجله می‌رود
گفت آن زمان که مشتری و مه قران کنند

قران ماه و زهره نیز قران سعدین و برای آغاز کار خجسته بوده است. در حاشیه شرح بیست باب چنین اشاره شده است:

گر بود مه مقارن زهره باشد آغاز کارها شهره

اما آنچه در اینجا مورد نظر است، قران خورشید و ماه است و به آن «اجتماع (Reunion)» نیز گفته می‌شود، چون در این ماه زیر شعاع آفتاب به سر می‌برد. این حالت برای دیگر سیارات «احتراق» نام دارد که شامل سه حالت است:

- محاق (ستردگی روشنائی) (Decressance) و مدت آن دو شب است (۱۴). سنایی چنین اشاره دارد:

چون دو شب همخواه خواهد بود با خورشید ماه
در محاق او را چه بیم از شکل نقصان داشتن

- تحت‌الشعاع (Eclipse) وقتی است که میان تقویم ماه و تقویم آفتاب دوازده درجه مانده باشد. تحت‌الشعاع را مبدأ محاق هم گفته‌اند. حالت پیش از احتراق سیاره یا بعد از آن که مقارنه با خورشید است نیز تحت‌الشعاع گفته‌اند (۱۴). عطار نیشابوری در الهی‌نامه اشاره می‌کند:

قمر گفتا که من در عشق خورشید
جهان پر نور خواهم کرد جاوید
چو از تحت‌الشعاع و خاطر من
شود خلقی جمالت را خریدار

کمل اسماعیل نیز به این موضوع اشاره می‌کند:

منم عطارد تحت‌الشعاع و خاطر من
همیشه محترق و راجع از غم تیمار

- سَرار. آخرین شب ماه است در محاق و اجتماع (۱۴).

پژوهش‌های علمی جدید، تغییر میدان مغناطیسی زمین را هنگام تأثیر سیارات در یکدیگر تأیید می‌کند. واتسون با ذکر این مطلب که تأثیرات انواع قران، آشکارتر و نیرومندتر از دیگر پدیده‌های نجومی است (۱۳). به کشف جان نلسون در مورد رابطه لکه‌های خورشیدی و اختلال در دریافت امواج رادیویی اشاره می‌کند و می‌گوید: «لکه‌های خورشیدی وقتی پیش می‌آیند که دو سیاره یا بیشتر با خورشید در یک خط قرار بگیرند و با هم زاویه قائمه بسازند یا زاویه ۱۸۰ درجه تشکیل دهند» (۱۳).

او خاطرنشان می‌سازد که قسمتی از تأثیرات سیارات ممکن است به این علت باشد که هر سیاره در فضای پشت سر خود دنباله‌ای مغناطیسی از اغتشاشات باقی می‌گذارد، مانند اغتشاشی که بر اثر عبور کشتی بر روی آب به وجود می‌آید و مدتی طول می‌کشد که فرو نشیند (۱۳).

آیا تأثیرات و احکامی که در نجوم قدیم در مورد انواع قران ذکر شده، می‌تواند به علت همین دنباله‌های مغناطیسی باشد، با کشف نلسون در مورد لکه‌های خورشیدی می‌توان به این نکته رسید که «اگر سیارات بر خورشید اثر می‌گذارند، منطقی است که نتیجه بگیریم آن‌ها بر زمین نیز که بعد از عطارد نزدیک‌ترین سیاره به خورشید است، اثر خواهند گذاشت» (۱۳).

همان‌گونه که گفتیم، جرجانی تأثیر نور ماه بر سکون یا حرکت اخلاط را همانند تأثیر آن بر جزر و مد دریا دانسته است. ناصر خسرو در سفرنامه خود در صفت مد و جزر و جوی‌های آن، ضمن اشاره به این تأثیر، توضیح داده است که آب هنگام اجتماع و نیز هنگام قران ماه و خورشید در زیادت است و ارتفاع مد بیشتر است.

و این مد و جزر گویند تعلق به قمر دارد که به هر وقت قمر بر سمت رأس و زحل باشد و آن عاشر و رابع است، آب در غایت مد باشد و چون قمر بر دو افق، یعنی مشرق و مغرب

باشد، غایت جزر باشد، دیگر آنکه، چون قمر در اجتماع و استقبال شمس باشد، آب در زیادت باشد، یعنی مد در این اوقات بیشتر باشد و ارتفاع بیش گیرد و چون در تربیعات باشد، آب در نقصان باشد، یعنی به وقت مد علوش چندان نباشد و ارتفاع نگیرد که به وقت اجتماع و استقبال بود و جزرش از آن فروتر نشیند که به وقت اجتماع و استقبال می‌نشست، پس بدین دلایل گویند که تعلق این مد و جزر از قمر است (۱۵)، آغاز کار و طلب حاجت و فصد و حجامت در هنگام قرآن ماه و خورشید منع شده است:

با خورار افتد قران قمر باش از آغاز کارها به حذر
طلب حاجت حجامت و فصد اندرین وقت به نکردن قصد

فصد و حجامت از جمله روش‌های درمانی در طب سنتی جهت پاکسازی اخلاط ناسالم بدن است که باید با رعایت نکاتی چند، از جمله اطمینان از نضج اخلاط و رعایت تغذیه و زمان مناسب انجام شود (۱۹).

خلاط هنگام فصد و حجامت باید به حد نضج رسیده باشند و این موضوعی است که رکن‌الدین اوحدی (۷۳۸-۵۷۳ ق.) دستمایه مقصود خود ساخته است:

چو سینه و جگر و دلم به جوش درآمد
طیب عشق تو فرمود داغ و فصد و حجامت

فصد و حجامت باید با در نظر گرفتن شرایطی همچون زمان مناسب، انجام شود، در غیر این صورت نه تنها مؤثر واقع نخواهد شد، بلکه ممکن است، خود، موجب بیماری‌ها و اختلالاتی شود و فصد های ناقص سبب تشدید بیماری می‌شود. در این خصوص جامی اشاره دارد:

زجر کم دفع ظلم نتواند فصد ناقص مرض بشوراند

آیا قران ماه و خورشید تأثیراتی بر بدن دارد که گذشتگان فصد و حجامت را در آن جایز ندانسته‌اند؟ آیا این پدیده نجومی زمینه ایجاد اخلاط غلیظ را در بدن ایجاد می‌کند یا

مانع نضج اخلاط که شرط فصد و حجامت است می‌گردد؟ جرجانی در ذخیره خوارزمشاهی حجامت را در وقت غلبه نور ماه توصیه کرده است و این هنگام را وقت «جنبیدن و فزودن اخلاط» دانسته است و تأثیر نور ماه بر سکون یا حرکت اخلاط را همانند تأثیر آن بر جزر و مد دریا دانسته، البته یادآور می‌شود که جالینوس نهی کرده است از حجامت هنگام غلبه کامل نور ماه، زیرا در این هنگام خون صافی با حجامت بیرون می‌آید و هنگام نقصان نیز خون ساکن می‌شود و حجامت روا نیست، اما در میانه ماه (شانزدهم و هفدهم ماه قمری) که نور ماه غلبه دارد، اما رو به نقصان می‌نهد، بهترین زمان حجامت است، زیرا اخلاط بد در این هنگام به وسیله حجامت بیرون کشیده می‌شوند: «اندر اول ماه که اخلاط حرکت کرده نباشد و اندر آخر ماه که اخلاط ساکن شده باشد، حجامت نباید کرد، لکن اندر میانه ماه باید کرد که وقت غلبه نور ماه باشد و وقت جنبیدن و فزودن اخلاط باشد، چنانکه اندر جوی‌ها که او را مد و جزر است، پیداست. ابن‌ماسویه می‌گوید از جالینوس حکایت می‌کند نهی کرده است از حجامت کردن اندر روزگار غلبه نور ماه، فرموده است که توقف باید کرد و تا نور ماه آغاز نقصان کند و این چون روز شانزدهم و هفدهم باشد از ماه، از بهر آنکه اندر روزگار غلبه نور ماه، خون و اخلاط اندر تن بجنبند و به جانب پوست میل کند و رگ‌ها با ریک و شاخه‌های رگ‌ها پر شود و اندرین وقت با این حال خون نیک و صافی بیشتر اندر آید و خلط بد کم‌تر و هرگاه که نور ماه روی به نقصان نهد، خون صافی روی به بازگشتن و ساکن شدن نهد و هنوز ساکن شده نباشد و اخلاط که با خون حرکت کرده باشد، به سبب غلیظی بازپس ماند و بدان زودی که خون بازگردد، باز نتواند گشت، بدین سبب از حجامت اندر روزگار آغاز نقصان ماه خلط بد بیشتر آید» (۱۹).

۴- منع فصد هنگامی که ماه در برج جوزا قرار می‌گیرد

جوزا (Gemineux) نام برجی از بروج دوازده‌گانه فلکی و آن را توأمان نیز گویند. جوزا در اصل به معنای گوسفند سیاه است که میان آن سفید باشد، لذا این برج در میان دیگر بروج، کواکب روشنی دارد و در میان همه بروج ممتاز است. جوزا یکی از دو خانه عطارد است و خانه دیگر آن سنبله است.

رگزدن (فصد) را هنگامی که ماه در برج جوزا قرار می‌گیرد، روا ندانسته‌اند. خاقانی شروانی در بیت زیر آشکارا به این مطلب اشاره می‌کند:

به چاه جاه چه افتی و عمر در نقصان
به قصد فصد چه پویی و ماه در جوزا

در تاریخ روضه‌الصفاء که تاریخی عمومی از محمد بن خاوند شاه (۸۳۷-۹۰۴ م.) معروف به میر خواند است نیز به این مطلب اشاره شده است: «تابیک یکی از امرای سلطان مسعود سلجوقی که به موجب فرمان متوجه آذربایجان شده بود، چون به زنجان رسید، وقتی که قمر در جوزا بود، فصد کرد، از قضا رگ دستش گسیخته شد و در همان ایام حیات او به قطع رسید» (۱۴).

فصد در طب سنتی اهمیت زیادی دارد، زیرا خون مرکب همه اخلاط است و هرگاه که فصد شود، از هر خلطی چیزی کم شود (۲۰).

فصد به معنی رگزدن از شیوه‌های معمول در درمان بسیاری از بیماری‌ها بوده است که استفاده از آن حتی در ایران پیش از اسلام نیز رواج داشت و در قرون نخستین اسلامی رواج بیشتری یافت (۲۲). در دوران حکومت عباسیان در بغداد و شهرهای بزرگ جشن فصد بر پا می‌شد (۲۳).

فصد شرایطی داشته که مهم‌ترین آن، زمان انجام این شیوه درمانی بوده است. فصد اختیاری را در ایام جوزا صلاح نمی‌دانستند (۲۴) و این موضوع دو علت داشته است یکی آن که روزهایی که ماه در جوزا است، روزهای ششم و هفتم ماه است و در هفته اول هر ماه نور ماه زیاد است، بنابراین به خاطر افزایش رطوبات و اختلاط خون صالح با فاسد، فصد جایز نیست، همان‌گونه که در چند روز آخر ماه نیز به دلیل تکاثف اختلاط، فصد دشوار و موجب ضعف است (۲۵)؛ علت دوم مطلبی است که در شرح بیست باب ملامظفر بر اساس این باور که هر برجی منسوب به یکی از اعضای بدن و بیماری‌های مربوط به آن است. برای مثال بیماری‌های مربوط به سر منسوب به برج حمل است و معده و روده و شش و مری

هفت کوكب، یعنی زحل، مشتری، مریخ، زهره، عطارد و ماه نیز هر یک طبیعت و ویژگی‌هایی همچون سعد و نحس و خوی و خصلت و بیماری و... دارند (۲۱).

اوحدی شاعر قرن هشتم در مثنوی جام جم معتقد است صورتی از هر چه در زمین هست در آسمان نیز وجود دارد:

در زمین هر چه جسم و جان دارد آسمان صورتی از آن دارد

هرچه در زمین است، سایه‌ای است که به نور صورت آسمانی زنده است:

اگر آن نور نیک حال بود عیش این سایه بر کمال بود
و پدید آید اندرین سستی نتوان دیدن اندر آن رستی

بنابراین ویژگی کواکب و اجرام فلکی با حالات و ویژگی‌ها و طبع‌های مختلف در جسم و روح انسان و زندگی او مؤثرند.

هفت کوكب ز راه پنج نظر گاه ز هرت دهند و گاه شکر
در و بال و هبوط و بعد و شرف گه تلافی گرند و گاه تلف
دو جهانگیر و پنج صاحب رخس زیر این طارم دوازده بخش
تر و خشکند و گرم و سرد به هم نرم رفتار و تیز گرد به هم

ویژگی این هفت کوكب ثابت نیست، بلکه بستگی به برجی دارد که در آن قرار می‌گیرد و نسبتی که با هم دارند:

به شد نشان ز خانه در خانه فتنه‌ها در جهان ویرانه
از روش چون به هم درآمیزند حال‌های عجب برانگیزند
هر یکی مقتضی بلایی را یا فتوحی و انجلائی را...
هر یکی مشکلی پدید آرد یا خود از مشکلی کلید آرد

برج جوزا، برج سوم معادل با خردادماه است که آن را توأمان نیز گفته‌اند، زیرا صورت آن مانند دو کودک بر پای ایستاده است که یکی دست بر گردن دیگری دارد. این برج چون در شمار مثلثه بادی است، دارای طبیعت گرم و تر است.

منسوب به برج سرطان و رگ‌ها منسوب به برج عقرب، عطارد، سیستم اعصاب را تحت نفوذ خود قرار داده است، اما دست‌ها، بازو، انگشتان و شانه‌ها منسوب به برج جوزا هستند.

در شرح بیست باب ملامظفر آمده که فصد باید در برج‌های مثلثه بادی و یا مثلث آتشی انجام شود که طبیعت مناسب برای انجام این عمل را دارند، اما هر چند جوزا در مثلثه بادی قرار دارد، انجام فصد در آن جایز نیست، زیرا جوزا متعلق به دست است و هنگامی که ماه در آن قرار می‌گیرد، رطوبت را به سمت دست هدایت می‌کند: «باید که قمر در برج آتشی بود چه آتش دافع رطوبت است یا در برج هوایی بنا بر مناسبت طبیعت دم، غیر جوزا، زیرا که جوزا، متعلق است به دست و حلول قمر در برج هر عضو باعث توجه رطوبت بدن باشد، بدان عضو و این مقتضی تعفن مواد است، پس با حصول رطوبات و تعفن مواد، آهن به آن عضو رسانیدن مصلحت نباشد» (۲۶).

پژوهش‌های ادسون اندروی (Adson Andreus) که تأیید کننده تأثیر نور ماه بر گردش خون است، سبب می‌شود که از انجام جراحی در شب‌های مهتابی حذر کند. او گزارش می‌دهد که در ارزیابی بیش از هزار بیمار خونریز، یعنی بیمارانی که بر روی تخت جراحی به وسایل غیر عادی رگ‌بندی احتیاج پیدا کرده و یا به علت خونریزی به اتاق عمل، بازگردانده شده‌اند، ۸۲٪ کل بحران‌های خونی بین تریب اول و تریب ثانی ماه اتفاق افتاده است و نقطه اوج پرمعنایی درست به هنگام بدر داشته‌اند. وی گزارش خود را با این سخن به پایان می‌رساند که این آمار چندان قطعی و قانع‌کننده به نظر می‌آیند که ممکن است من همچون جادوگران قبایل فقط در شب‌های تاریک عمل کنم و شب‌های مهتابی را برای سخن عشق باقی گذارم» (۱۳).

جوزا علاوه بر این که به برج سوم در منطقه البروج اطلاق می‌شود، به معنای صورت فلکی جبار هم هست که از صورت‌های بزرگ نیمکره شمالی است و شکل آن به صورت مردی است با حمایل یا کمر (۱۴).

هر چند منع فصد هنگامی که ماه در جوزا قرار می‌گیرد، در متون کهن با ویژگی‌های برج سوم آمده است، آن را به صورت فلکی جبار (Orion) که از صورت‌های بزرگ نیمکره شمالی

است نیز نسبت داده‌اند. در بیت زیر نظامی اشاره به آسیب رگ‌زدن هنگامی که ماه در جوزاست را با صورت جبار که به صورت مردی است با حمایل و کمر بسته، همراه کرده است:

پیکر جوزا که کمر بسته بود از ورم رگ زدنت خسته بود

بحث

شعر فارسی آینه تمام‌نمای اوضاع سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی ایران‌زمین در تاریخ پرفراز و نشیبی است که پشت سر نهاده است. دانش پزشکی و باورهای پزشکی نیز همچون دیگر جلوه‌های علمی این سرزمین دستمایه شاعران برای مضمون‌پردازی‌هایی گشته است که بنیاد آن بر مسائل علمی و باورهای علمی است و مضامین علمی که در شعر قرن ششم تا هشتم قمری بیش از پیش آشکار است، بیانگر بخشی از تاریخ علم و بینش‌های علمی و باورها و تجربیات مردمان این سرزمین است. پژوهش‌های تطبیقی در این مورد از منظر دانش پزشکی جدید و بررسی‌های معاصر علمی، نه تنها دیرینگی دانش و بینش ایرانیان را می‌نمایاند، بلکه می‌تواند افق‌های گسترده‌تری را در آسمان دانش پیش چشم آورد و با پیوند ژرف‌بینی گذشتگان و استدلال‌گرایی معاصران، درست و نادرست باورهای کهن پزشکی را آشکار سازد.

نتیجه‌گیری

بسیاری از باورهای کهن ریشه در واقعیتی علمی دارند. این باورهای دیرینه را می‌توان نخستین دستاوردهای دانش تجربی به شمار آورد که اکنون با گذر قرن‌ها، ریشه‌های علمی برخی از آن‌ها کشف و با زبان علمی شرح داده شده است. بررسی تاریخ تمدن و تاریخ دانش بشری بیانگر این حقیقت است که دانش پیشینیان، هر چند به وسعت دانش امروز و بهره‌مند از استدلال‌های علمی و ابزار مناسب نبوده است، به سبب تفکر بی‌واسطه و ارتباط مستقیم و پیوسته با طبیعت و پدیده‌های جهان، ژرف‌بینی شگفت‌آوری در مورد ارتباط عناصر هستی با یکدیگر و تأثیرات آن در زندگی داشته‌اند.

همین ژرف‌بینی‌ها و نگاه‌های بی‌واسطه است که بررسی باورهای کهن را ارزشمند می‌سازد. امروزه باورهای کهن از دیدگاه‌های مختلفی مانند اسطوره‌شناسی فرهنگ ملل تاریخ تمدن و انسان‌شناسی و تاریخ علم بررسی می‌شوند. هر یک از این نوع بررسی‌ها در جای خود دارای اهمیتی درخور است، اما بررسی این باورها از منظر دانش جدید که کم‌تر از حوزه‌های دیگر باورشناسی به آن توجه شده است، می‌تواند درستی یا نادرستی باورهای کهن را بر اساس یافته‌های جدید علمی تبیین کند. این بررسی‌های تطبیقی از سویی چگونگی سیر علمی بشر را آشکار می‌سازند و از سوی دیگر بیانگر ژرف‌نگری دیرینگان در طبیعت و تأثیرات آن بر جسم و روح انسان هستند و از دیگرسو می‌توانند افق‌های جدیدی در جهان علم بگشایند، زیرا پژوهشگران معاصر در این نوع پژوهش‌ها آنچه را گذشتگان با مشاهددهای پی در پی و بصیرت خویش دریافته‌اند، با شیوه‌های علمی و دستاوردهای جدید بررسی می‌کنند و آن بخش از باورهای کهن را که مورد تأیید دانش جدید است، به زیور بیان علمی می‌آریند و شرح و بسط می‌دهند و به این ترتیب یافته‌های کهن چونان بذری می‌شود که خوشه‌های علمی جدیدی به ثمرخواهد آورد. آن بخش از این باورها نیز که مورد تأیید علم معاصر نیستند، در بررسی تاریخ علم اهمیت دارند، زیرا سیر فکری انسان و شیوه‌یابی‌های هر عصر، دوره و ملتی را نشان می‌دهد. پزشکی و نجوم دو حوزه مهم در میان باورهای کهن است و ارتباط میان این دو حوزه، خود، گستره‌ای دیگر را به وجود آورده است. هم‌زمان با شکل‌گیری بنای آغازین نجوم، یعنی توجه انسان به اجرام فلکی، تغییرات و پدیده‌های نجومی عاملی تأثیربخش در سلامت یا بیماری به شمار آمد و بخشی از باورهای نجومی، اساس باورهای پزشکی کهن گشت. بخشی از این‌گونه باورها در مورد نزدیک‌ترین سیاره به زمین، یعنی ماه است که در شعر فارسی نیز به آن اشاره شده است.

شعر فارسی آینه باورها و اندیشه‌های ایرانیان در زمینه‌های گوناگون است. شاعران ایرانی با مبانی علوم آشنایی داشته یا در آن صاحب‌نظر بوده‌اند. کاربرد مضامین علمی به ویژه پزشکی و نجوم و تبدیل باورها و مطالب علمی به مضامین و

صور خیال شاعرانه، به عنوان یک ویژگی سبکی از قرن ششم قمری به ویژه در سبک شعر آذربایجانی رواج یافت. این نوشتار تأثیرات پزشکی ماه را که در شعر فارسی قرن ششم تا هشتم قمری، دستمایه بیان شاعران گشته است، در چهار بخش زیر با ذکر شواهد شعری استخراج کرده و با برخی از یافته‌های معاصر تطبیق نموده است.

مواردی که در این پژوهش به آن پرداخته‌ایم، عبارت است از:

۱- تشدید جنون و بیماری‌های عصبی با دیدن ماه نو، در شمار باورهای کهن ایرانیان و بازتاب یافته در شعر فارسی است که دستاوردهای علمی جدید در زمینه فیزیک و پژوهش‌های طبی آن را تأیید می‌کند.

۲- تأثیرات ماه هنگامی که در برج عقرب قرار می‌گیرد که در دو بخش تأثیرات منفی بر ویژگی‌های روحی و اخلاقی و بر سلامت چشم و تأثیرات مثبت بر داروی مسهل مطرح شده است.

۳- منع فصد و حجامت هنگام قران ماه و خورشید از دیگر باورهای پزشکی احکام نجومی است که در طب سنتی ایران و متون ادب فارسی به آن اشاره شده است.

۴- تأثیرات ماه هنگامی که در سومین برج از برج‌های آسمان، یعنی برج جوزا قرار می‌گیرد.

پژوهش‌های معاصر وجه علمی تأثیرات مختلف ماه را از رهگذر ارتباط آن با موضوع تأثیر ماه بر جزر و مد دریا توضیح می‌دهند، البته این موضوعی است که در منابع قدیم و متون طب سنتی نیز ذکر شده است. این بررسی‌ها بیانگر تأثیر ماه بر حرکت یا سکون اخلاط است. گزارش‌های طبی جدید بیانگر آن است که ۸۲٪ کل بحران‌های خونی بین تربیع اول و تربیع ثانی ماه اتفاق افتاده است. پژوهش‌های جدید همچنین به تغییر میدان مغناطیسی زمین هنگام درخشش ماه و ارتباط آن با بحران‌های روانی اشاره دارد و تأثیرات ماه هنگام قران را به علت تغییر میدان مغناطیسی زمین هنگام تأثیر سیارات در یکدیگر و ایجاد دنباله‌های مغناطیسی از اغتشاشات می‌داند که هر سیاره در فضای پشت سر خود ایجاد می‌کند.

تأیید این چهار نوع تأثیر ماه بر جسم و روح انسان که در شمار باورهای کهن پزشکی بوده و در شعر فارسی نیز مطرح شده است، به وسیله پژوهش‌های جدید از سویی بنیان علمی برخی باورهای کهن را اثبات می‌کند، ازسوی دیگر ارزش متون ادبی و شعر پارسی را نشان می‌دهد که همه جلوه‌های اندیشه ایرانیان را بازتاب داده است و از دیگرسو بر اهمیت بررسی‌های گسترده‌تری در مورد باورهای کهن پزشکی و تعیین درستی یا نادرستی آن‌ها و پژوهش‌های تطبیقی میان این باورها و دانش جدید تأکید می‌کند.

پژوهش در باورهای مردمی هر سرزمینی از یکسو بررسی تفکر و دانش آن سرزمین است و از دیگرسو می‌تواند آنچه را پیشینیان با ژرفای تجربه و نگاه بی‌واسطه خویش دریافته‌اند و امروزه در هیاهوی ابزار و انباشت اطلاعات کلیشه‌ای از نگاه انسان معاصر پوشیده مانده است، آشکار سازد و با پژوهش‌های گسترده وجوه علمی آن را ثابت کند و در هر دو صورت خدمتی در جهت گسترش و عمق‌بخشیدن به دستاوردهای فکری و علمی سرزمین خویش بنماید و دیرینگی و پویندگی آن را در سیر زمان بنمایاند.

محدودیت‌های پژوهش

بی‌شک بررسی جلوه‌های مطرح‌شده در شعر و ادب فارسی از منظر دانش پزشکی و تاریخ علم نیازمند پژوهش‌های بین‌رشته‌ای است که باید با همکاری ادیبان و پزشکان صورت گیرد، اما متأسفانه در جامعه علمی ایران، نگاه و اندیشه‌هایی که این‌گونه همکاری‌های بین‌رشته‌ای را تحقق بخشد، کم‌تر دیده می‌شود. به همین سبب در این پژوهش تطبیق موارد مطرح‌شده در شعر، با دانش پزشکی جدید در حد منابع یافته‌شده است.

References

1. Aghakhani A. Greek Mythology. Translated by Lensin Green R. Tehran: Sorosh; 1366. p.7. [Persian]
2. Kazazi MJ. Dream Epic Myth. Tehran: Markaz Che Aval; 1372. p.6.
3. Sattari J. Teragedy and Human. Translated by Andre B. Tehran: Mitra; 1377. p.11. [Persian]
4. Aram A. History of Civilization. Translated by Will D. Tehran: Scientific and Cultural Publications; 1376. p.1, 204.
5. Moeini M, Kolahdozan A. Herbal Medicine in Persian Poetry. Tehran: Iranian Traditional Medicine; 1391. p.3.
6. Homai J. Literary Articles. Tehran: Homa; 1369.
7. Shamisa S. Talmihat Dictionary. Tehran: Ferdowsi; 1366. p.1438.
8. Sagafi M. Interaction between Astrology and Medicine by Review the Works of Najm al-Doleh and his Family. *Medical History Quarterly* 1394; 7(22): 73-105.
9. Nezami Arozi A. Four Articles. Tehran: Amir Kabir; 1369. p.10.
10. Shafie Kadkani MR. Imaginary Imagery in Persian Poetry. Tehran: Agah; 1366. p.3.
11. Bamdadi B. The Style of Azarbaijan in Persian Poetry. *Quarterly Journal of Literary Studies* 1392; 7(17): 84-102.
12. Safa Z. History of Iranian Literature. Tehran: Toos Publications; 1363.
13. Arzmand A, Bahrani SH. Supernatural Translated by Watson L. Tehran: Amir Kabir; 1365. p.51-52, 76.
14. Mosafa A. Astronomical Dictionary of Culture. Tehran: Institute for Cultural Studies; 1366.
15. Sajadi Z. Khagani Dictionary and Interpretation. Tehran: Zavvar; 1374.
16. Golamrezai M. Stylistics of Persian Poetry from Rudaki to Shamlou (Jaami); 1391. p.108.
17. Easoli H. Usul al-Kafi. Translated by Koleini M. Shiraz: Islamic Seminary Publications; No Date. p.275.
18. Hasanazadeh Amoli H. Lessons Learned Time. Qom: Islamic Publishing House; 1364. p.155.
19. Naser Khosro. Travelogue. Tehran: Zavar; 1363. p.2.
20. Jorjani S. Zakhireh Kharazmshahi. Tehran: Academy of Medicine Sciences Publishing; 1382. p.60.
21. Shahmardan A. The Rozatol Monajemin. Tehran: Islamic Encyclopedia; 1368. p.72-7422; Gofran K. Wounding in Muslim Medicine. *History and Civilization* 1392; 1(19): 31-58.
22. Gofran K. Wounding In Muslim Medicine. *History and Civilization* 1392; 1(19): 31-58.
23. Alijani M. Examination and Methods of Practice in the Gajar Period. *Medical History Quarterly* 1392; 5(16): 93-123.
24. Aghili Alavi MH. Summary of al-Hikmah. Qom: Esmailian; 1385. p.523.
25. Tabaripoor A, Tabaripoor MT. Islamic Medicine. Albani: Cupping and Leeches; 1363.
26. Gonabadi M. Description Twenty Bob. Tehran: Librery and Documentation Center of the Islamic Parliament of Iran; 1005. p.183.